

ماموریت ناجی قبیله‌ای در عصر انقلابی

بعد از ظهور پادشاهی بهشتی

(این سخنان توسط پدر مون در طی گردهمایی انجمنهای قبیله‌ای متحده‌ی کره‌ای برای نجات سرزمین صلح جهانی که در روز اول ژوئن دوهزار شش در هتل ماریوت شهر سنول برگزار شد، عنوان شده است.)

رهبران محترم انجمن قبایل متحده‌ی کره‌ای، خانمها و آقایان، از اینکه با حضورتان در این گردهمایی ما را مفتخر فرمودید، بسیار متشکر هستم. با اعلان هزاره‌ی نوین که ظنن صدای آن هنوز در گوشه‌های ما می‌پیچد، این روز شروع دومین سال بازگشایی "عصر انقلابی بعد از ظهور پادشاهی بهشتی" می‌باشد. این اعلانیه هنوز يك امید تازه برای آینده‌ی نوین در قلبهای شش میلیارد و پانصد میلیون انسان در دنیا است. دوره‌ی پر انرژی بناسازی پادشاهی خدا، چان ایل گوک، یعنی دوره‌ای که در آن احساس می‌شود يك روز هزار سال و هزار سال يك روز است، همچنان ادامه دارد. همانطور که ما این دوره‌ی زمانی مهم مشیت شده را بوجود می‌آوریم، من با مغتم شمردن این فرصت، مایل هستم تا يك پیام مخصوص از جانب خدا را، بعنوان ندای خدا به مردم کره و شما نمایندگان انجمن قبایل متحده‌ی کره‌ای، در ارتباط با ماموریت شما، به اطلاع شما برسانم. موضوع سخنان امروز من "ماموریت ناجی قبیله‌ای در عصر انقلابی بعد از ظهور پادشاهی بهشتی" می‌باشد.

امید بشریت

خانمها و آقایان، اگر رویای مشترکی برای تمامی مردم، صرف نظر از جنسیت، سن، زمان و مکان وجود می‌داشت، آن رویا چه می‌توانست باشد؟ انسانها در تمامی اعصار در آرزو و در انتظار تحقق دنیای صلح‌آمیز ایده‌آل بوده‌اند. ولیکن در طول تاریخ، صلح پایان ناپذیر به ارمغان آورنده‌ی شادی برای خدا، هرگز تحقق نیافته است. این واقعیت بعنوان اساس غم و اندوه تاریخی ما همچنان باقی مانده است.

چه چیزی به خطا رفت؟ چه چیزی باعث سقوط بشر به جهالت در ارتباط با ایده‌آل خدا برای آفرینش شد؟ حتی اگر دهها هزار سال هم که منتظر بمانید، در جهالت نمی‌توان به کمال دست یافت.

آنگاه چگونه انسانها که بعنوان فرزندان خداوند قادر مطلق و عالم متعال آفریده شده‌اند، به چنین وضعیت نادانی و جهالت سقوط کرده‌اند؟ اولین اجداد بشری، یعنی آدم و حوا، در مسیر سقوط از والدین دروغین یعنی شیطان تبعیت کردند و این برآستی اولین تراژدی و رنج‌آورترین و رقت‌بارترین شرمندگی در تاریخ بشری است.

خدا نمی‌تواند از بشریت دست بردارد. آنها در درون ایده‌آل آفرینش پرشکوه او بعنوان فرزندان و زوجهای مطلق عشق راستین او آفریده شده‌اند. به این خاطر او با قلبی مملو از غم، اندوه و تلخی دردآوری سالهای طولانی تاریخ را تحمل کرده است. او والدین ابدی بشریت است، کسی که مجبور بود تا در طی حبس‌های واقعی در سایه‌ی تاریخ ثابت قدم باقی بماند. هیچ کسی در طول تاریخ از چنین چیزی مطلع نبود.

محدودیت در پیگیری در صلح تنها بر اساس تلاشهای انسانی

انسانها در طول تاریخ در جهت نیل به صلح تنها بر اساس تلاشهای بشری بطور ممتد کار کرده‌اند. مواجهه‌ی دنیای دموکراسی و کمونیسم يك مثال ساده از این امر است. زیربنای تفاوت این دو وسعت آزادی و حقوق فردی برسمیت شناخته شده و تضمین شده است. کمونیسم و دموکراسی بسان فرزندانى هستند که والدینشان را از دست داده‌اند. آنها به ترتیب به دسته‌ی قابیل و هابیل تقسیم شده و در غل و زنجیرهای درگیریهای برادرانه به بند افتاده‌اند.

انسانها بدون استثناء با به ارث بردن نسب خونی شیطانی در زمان تولد، فرزندان شیطان هستند. برای لحظه‌ای به خودتان ببینید. در تمامی لحظات و در هر يك از امور زندگی، خوبی و بدی برای بدست آوردن مقام برتر در درون شما در حال درگیری هستند. اینطور نیست؟ حرکتها و تلاشها برای صلح همواره با محدودیتها و شکستهای بسیاری در طول تاریخ روبرو بوده‌اند، زیرا از جانب انسانهای ناقص هدایت می‌شده‌اند. به این دلیل سازمان ملل که با رویای باشکوه تحقق دنیای صلح‌آمیز شکل گرفته‌است، با رودروئی با محدودیتهای درونی خود، اعتراف می‌کند که بیش از این قادر به دادن امید به بشریت نیست. عبارت ساده‌تر، سازمان ملل قبل از آن زمانی شکل گرفته است که خدا بتواند بطور مستقیم با مشیت الهی هویدا شده در تاریخ مرتبط شود.

خانمها و آقایان، با از خودگذشتگی خالصانه‌ی رورند مون در مسیر بهشت در طی هشتاد سال از زندگیش، يك دنیای نوین پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد. براساس این پایه‌ی پیروزمندانه عصر انقلابی بعد از ظهور پادشاهی بهشتی اعلان شده است. ما اکنون در عهد بخت و اقبال بهشتی زندگی می‌کنیم، عهدی که در آن تمامی مردم می‌توانند از باتلاقیهای گناه نجات یافته و رها شوند. این عصری است که در آن دنیای آزادی و شادی، دنیای ایده‌آل مورد نظر در زمان آفرینش می‌تواند بنا نهاده شود.

دلایل آشکار چندی وجود دارد که خدا این فردی را که اکنون در برابر شما ایستاده است، یعنی رورند مون را بعنوان والدین راستین بشری تعیین نموده و بدینوسیله يك عهد نوین را گشوده است. نخست، براساس پایه‌ی زندگی موفقیت‌آمیز من براساس زیستن برای دیگران بود. یعنی اینکه من ارزش يك زندگی عشق راستین را بکار بسته، به پیروزی نائل آمده و آن پیروزی را به بشریت پیشکش کردم. تمامی انسانها در جهت زیستن برای دیگران پا به عرصه‌ی وجود نهاده‌اند. اما بواسطه‌ی جهالت نتیجه شده از سقوط، همه کاملاً برعکس با فردگرایی خودخواهانه عمل می‌کنند. من این راز خدا را آشکار ساخته و برای اولین بار در تاریخ برای بشریت بازگفته‌ام. خدا بطور کامل از تمامی پستی‌ها و بلندیهای راه زندگی من باخبر می‌باشد.

دوم اینکه من زندگی‌ام را برای غلبه بر تمامی موانع و تاسیس پایه‌ی پیروزمندانه فدا کرده‌ام. من براساس آموزش ارائه شده از طریق اجرای واقعی عشق راستین، تمامی شرطهای لازم برای بهبود و تاسیس رابطه‌ی والدین فرزند بین خدا و بشریت را به انجام رسانده‌ام. من راه را برای بشریتی گشوده‌ام که فرزندان شیطان زناکار و دشمن عشق شده، بعنوان بردگان عشق دروغین، زندگی دروغین و نسب خونی دروغین زیسته‌اند، تا در نسب خونی خدا، سرچشمه‌ی عشق راستین، تولد دوباره یابند. عبارت دیگر من راه را برای مردم بگشادگی باز کرده‌ام تا با پیش گرفتن زندگی عشق راستین و نیل به کمال بلوغ روحی، خانواده‌های راستین، قبایل راستین، کشورهای راستین و يك دنیای راستین را بنا کنند.

قرار است بشریت چه چیزی را به ارث ببرد؟

خانمها و آقایان، ما با گشایش راه خود در این دنیا، درمی‌یابیم که بطور اجتناب ناپذیری ارتباط و روابط بسیاری در زندگی ما تاثیر دارند. بسیاری از این روابط نتیجه‌ی گزینش‌های ما در شرایط محیطی و موقعیتهایی است که در آن قرار می‌گیریم. این روابط، روابط متمرکز بر انسان هستند، که با توجه به خواستمان در هر زمانی می‌توانند--با توجه به تلاشهای انسانی--تغییر یافته و یا از بین بروند.

بعبارت دیگر روابط بهشتی، که از زمان تولدمان از جانب خدا به ما اعطاء شده‌اند، و رای حوزه‌ی انتخاب هستند. این روابط با توجه به روابط خونی شکل گرفته‌اند. حتی اگر شما والدین و برادران و خواهران خود را دوست نداشته باشید، مثلاً نمی‌توانید آنها را عوض کنید یا با رای‌گیری از جایگاهشان بیرون بیاندازید، چرا که آنها از طریق رابطه‌ی خونی به شما مرتبط هستند. یکبار که شما در خانواده‌ای با نام "کیم" متولد شوید، باید تا به ابد بعنوان بخشی از نسب خونی خانواده‌ی کیم به زندگی ادامه بدهید.

دلیل گریز مداوم انسانها از تله‌های گناه چیست؟ چون مردم از همان آغاز با ارثیه‌ی نسب خونی کاذب شیطان متولد شده‌اند. ولی این رابطه، رابطه‌ی نسب خونی اصیل ذاتی اعطاء شده از جانب خدا براساس هدف و خواست مشیت شده نیست. بلکه رابطه‌ای است که با زیر پا گذاشتن اصل شکل گرفته است. این رابطه بواسطه‌ی خطای بشری شکل گرفته است. بعبارت دیگر اگر چه، بشریت به مقام یتیمان نزول کرده‌اند، یعنی به مقام کسی که بواسطه‌ی سقوط والدینش را از دست داده است، ولی رابطه‌ی اساسی والدین و فرزند اعطاء شده از جانب خدا دست نخورده باقی مانده است. انسانها بواسطه‌ی سقوط به موجودات نادانی مبدل شده‌اند که بسان علفهای هرز حتی وقتیکه والدینشان در کنارشان ایستاده باشند، قادر به تشخیص آنها نیستند.

به این خاطر تمامی بشریت صرف نظر از اینکه چه کسی هستند، به نسب خونی سقوط کرده تعلق داشته و باید بدون استثناء از طریق تغییر نسب خونی تولد دوباره بیابند. این تنها راه برای بازسازی به روابط نسب خونی اصیل اعطاء شده از جانب خدا است.

ارزش برکت ازدواج بین فرهنگها

بعلاوه، بهترین راه برای بازسازی بشریت به مقام فرزندان خدا، تغییر نسب خونی از طریق برکت ازدواج بین فرهنگها است. این بالاترین حرکت اخلاقی است که با بوجود آوردن نسب خونی بهشتی در سطحی تازه، به و رای تمامی دیوارهای نژادی، فرهنگی، ملی و مذهبی می‌رود. این حرکتی است که تمامی ارتباطات دشمنانه را از بین می‌برد. این آیینی مقدس برای تغییر نسب خونی است که از طریق آن تمامی انسانها می‌توانند بوسیله‌ی والدین راستین، یعنی پادشاه و ملکه‌ی صلح، تجسم واقعی خدا—کسانیکه به او (خدا) توانایی اجرای مشیت الهی در دنیای نوین را داده‌اند—باز آفرینی شوند.

رهبران محترم انجمن قیابل، در سکوت در درون قلب خود در ارتباط با این سوال تعمق کنید: آیا راه دیگری برای نجات این دنیا از جنگ و درگیری قابل مشاهده در اطرافمان وجود دارد؟ آیا راه دیگری مطمئن‌تر از تاسیس يك خانواده‌ی جهانی از طریق ازدواج بین فرهنگها، بین قیابل دشمن یا با گامی فراتر نهادن بین ملت‌های دشمن وجود دارد که هیچگونه نفرتی بین اعضای آن خانواده وجود نداشته باشد؟

هر يك از شما بعنوان رهبران قیابل بعنوان نمایندگان صدها، یا هزاران یا حتی میلیونها نفر در مقام ناجی قبیله‌ای قرار گرفته‌اید. دهها یا صدها نسل از اجدادتان بسیج شده‌اند تا هر حرکت شما را زیر نظر داشته باشند. از اینرو اکنون ماموریت شما به اندازه‌ی کافی روشن شده است. نخست و مهمترین آن این است که شما باید برای هر يك از اعضای قبیله‌تان روشن کنید که عصر انقلابی بعد از ظهور پادشاهی بهشتی یا همان عهد تاسیس چان ایل گوک فرا رسیده است. یعنی اینکه شما مسئولیت دارید تا به آنها درباره‌ی مشیت الهی و چگونگی پیشبرد آن در سطح جهانی در این عهد متمرکز بر والدین راستین آموزش بدهید. شما باید بدون هیچ قصوری به آنها آموزش بدهید که برکت ازدواج بین فرهنگها راه نهایی برای تاسیس دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز بر روی زمین می‌باشد تا تمامی خانواده‌ها و قبیله‌ی شما بتوانند به سطح مقدس خانواده‌های برکت گرفته از طریق ازدواج بین فرهنگها بپیوندند.

خانمها و آقایان، برآستی تأسف بار است که شما نمی‌توانید این عصر انقلابی با ارزش بعد از ظهور پادشاهی بهشتی را که هرگز در گذشته رخ نداده و در آینده هم هرگز تکرار نخواهد شد، با چشمان خودتان مشاهده کنید. دلیل این موضوع آن است

که شما به پنج حس جسمی خودتان تکیه کرده‌اید. امید قلبی من این است که شما بتوانید هر چه زودتر با گشایش پنج حس روحی خودتان، چگونگی آشکار شدن مشیت الهی در این عصر را مشاهده کنید. اما یک چیز است که شما باید بطور حتم بر آن واقف شوید، این دوره‌ی زمانی مشیت شده و این عصر بخت و اقبال بهشتی که شما بدون پرداخت چیزی دریافت نموده‌اید، برای ابدیت در انتظار شما خواهد ماند.

اکنون زمان آن فرا رسیده است تا شما بعنوان نمایندگان انجمن قبایل متحده‌ی کره‌ای برای حراست از روح مردم کره و غرور قوم سفید پوشان، با هم یکی شوید. زمانی برای تلف کردن وجود ندارد. "کیم" یا "پارک" بودن نام خانوادگی شما چه اهمیتی دارد؟ دلیل عدم اتحاد منطقه‌ی "گیانگ سنگ" یا "چولا" چیست؟ اتحادیه شهروندان کره‌ای هواداران سنول در کشور کره و جبهه مشارکت عمومی شهروندان کره‌ای هواداران پیانگ یانگ در کشور ژاپن، هر دو ریشه در شبه جزیره کره دارند. در مورد کره‌ی شمالی و کره‌ی جنوبی چطور؟ در این زمان باید به خاطر بسپاریم که ما بازماندگان قوم سفید پوشان بوده و خویشاوندان مردمی برگزیده و تدهین شده از جانب خدا در این عهد هستیم.

هدف نهایی ما یافتن و تاسیس "ملت" و "خواست" در حین ملازمت به خدا در نقطه‌ی مرکزی است. آن کشور چه کشوری خواهد بود؟ این کشور اشاره به پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز است، که شبیه خانواده‌ی راستین متشکل از سه نسلی است که در هماهنگی، با اعتماد و احترام به یکدیگر، با کمک و یاری رساندن به یکدیگر و در یگانگی در عشق در کنار هم زندگی می‌کنند. عبارت دیگر، آن کشور جایی است که خدا حاکم می‌باشد.

در این صورت منظور از "خواست" چیست؟ اشاره به راه و قواعد بهشتی است. فرمان داده شده به ما بر روی زمین همراه با اختیار بهشتی عشق راستین، برای قضاوت این دنیای پلیدی است که تحت تسلط رژیم‌های خائن و فریبکار رنج می‌برد و تاسیس یک دنیای صلح‌آمیز عشق راستین یک دنیای آزاد بر اساس عدالت و حقیقت می‌باشد.

بشریت سرانجام باید یک خانواده بشود. پیشرفتهای چشمگیر علوم مدرن بطور گسترده در جهت تبدیل این دنیا به یک خانواده و روستای جهانی سهمیم هستند. پادشاهی زیبای دنیای ایده‌آل صلح‌آمیزی که در آن سفیدپوستان و سیاه پوستان، شرقی‌ها و غربی‌ها در قالب یک خانواده با هماهنگی بسوی هم می‌آیند، بر روی زمین تاسیس خواهد شد.

ظهور فدراسیون صلح جهانی

فدراسیون صلح جهانی و فدراسیون مردم مغول که من آنها را تاسیس کرده‌ام، در این دوره‌ی انتقالی، نقشهای مهمی را بازی خواهند کرد. فدراسیون صلح جهانی اکنون در مقام هابیلی سازمان ملل می‌ایستد. این فدراسیون یک سازمان در موقعیتی برای مبارزه طلبی بسان وضعیت موجود در میان نمایندگان کشورهای عضو سازمان و یا ادارات این سازمان نخواهد بود. برعکس، انقلابی تاریخی را برای صلح و رفاه بشری در سطح دنیا و جهان هستی بدوش می‌کشد. برخلاف سازمان ملل که بر راه حلها تمرکز کرده است، فدراسیون صلح جهانی ماموریت مسیحایی را به انجام می‌رساند که در سطحی بنیادی تر و واقعی بطور اصیل برای منفعت بشریت خواهد بود.

من با داشتن چنین هدفی در ذهنم، در بیستم اکتبر سال گذشته، در حین ارائه سخنان افتتاحیه‌ی فدراسیون صلح جهانی در تور سخنرانی صد و بیست کشور در سطح جهانی خود در کشور اوکراین، در برابر دنیا افتتاح، "پلیس دنیای پادشاهی صلح" و "پاسداران دنیای پادشاهی صلح" را اعلام کردم. این دو سازمان نقش مشابه گلوبول سفید و قرمز خون را در بدن، در سطح جهانی بازی خواهند کرد. آنها در تمامی گوشه و کنار دنیا خانواده‌های برکت گرفته‌شده با پیوند خوردن به نسب خونی بهشتی شروعی تازه داشته‌اند—مورد حمایت قرار خواهند داد. آنها همچنین وظیفه‌ی خودشان را بعنوان پاسداران، دفاع کنندگان، حامیان و پرورش دهندگان این دنیای زیبا، یعنی باغ عدن اعطاء شده از جانب خدا، به انجام خواهند رسانید، که ما می‌بایست از آن قدردان باشیم.

فدراسیون مردم مغول برای صلح جهانی

خانمها و آقایان، مردم نژاد مغول که هفتاد و چهار درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، بزرگترین گروه نژادی این دنیا هستند. ما باید جانی تازه در تمامی پنج میلیارد نفر آنها دمیده و اقلیمی تازه از عشق راستین بر روی این کره‌ی خاکی بوجود آوریم. شما و من در شبه جزیره‌ی کره بدنیا آمده و در زمینه‌ی فرهنگی مشابهی سهیم هستیم. بنابراین شما باید سفیران صلح و پیامبران ویژه‌ی بهشتی شده و با ابلاغ تعالیم من، به دیگران آموزش داده تا آنها بتوانند از طریق عشق راستین، زندگی راستین و نسب خونی راستین خانواده‌های نمونه را تشکیل بدهند.

خال مادرزادی مغول فقط يك نشانه‌ی جسمی مختص شهروندان مغولستان نیست. این نشانه مدتها قبل بدون هیچ شکی از جانب خدا اعطاء شده است تا با فرارسیدن عصر انقلابی بعد از ظهور پادشاهی بهشتی بعنوان نشانه‌ای برای ظهور والدین راستین اتحاد تمامی بشریت عمل کند. بعلاوه ملت کره که در مقام مرکزی مردم مغول قرار دارند، باید در خط اول جبهه شش میلیارد و پانصد میلیون نفر انسان ساکن روی زمین ماموریت نماینده‌ی والدین راستین بودن را به انجام برسانند.

شما باید برای خاطر خدا و بشریت و در اطاعت از هدف والای فدراسیون صلح جهانی، به گروه‌های پلیس دنیای پادشاهی صلح و پاسداران دنیای پادشاهی صلح بپیوندید. دویست و هشتاد قبیله‌ی کره‌ای باید متحد شده و به ورای محدودیتهای نام و قبیله‌شان رفته و با افتخار بعنوان مردم برگزیده‌ی خدا در این عصر با هم متحد شوند. لطفاً ماموریت اعطاء شده از جانب خدا به شما بعنوان نمایندگان قبایل و طایفه‌های کره‌ای را به خاطر بسپارید.

لطفاً فراموش نکنید که تاسیس دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز که خدا در زمان آفرینش پیش بینی کرده‌بود، چیزی که او در زمان آفرینش بشریت در نظر داشت، اکنون در برابر چشمان شما بواقعیت درآمده است. اگر این معجزه نیست، چه می‌تواند باشد؟ تمامی زوجهای برکت گرفته‌ی از طریق ازدواج بین فرهنگها در تمامی نقاط مختلف جهانی در حال گسترش ریشه عشق راستین هستند. نسب خونی بهشتی تازه به میوه نشسته است. روز برداشت نزدیک است، روزی که کره‌ی زمین زیبا به باغ عدن اصیل مبدل می‌شود، جاییکه ما در آن طی نسلها از صلح و شادی ابدی برخوردار خواهیم بود و بازماندگانمان با صدای بلند برای چان ایل گوک به حمد و ثنا خواهند نشست.

برکات و شکوه خدا همواره شامل حال شما و قبایل شما و مردم کره باشد.

متشکرم.